



حکومت اعدام ها باید در جهان طرد و منزوی شود!

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام
فرجه ای است برای برافراشتن پرچم انزوی سیاسی
و هنری و ورزشی جمهوری اسلامی در سطح جهانی.

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۹

جمعه ۱۸ مهر ۱۳۹۹، ۹ اکتبر ۲۰۲۰

صفحه ۱۲

جنگ قره باغ: راه حل چیست؟

صفحه ۳

حمید تقوایی

"تنویر افکار عمومی" توسط حکومت اسلامی!

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

مبارزه برای تعطیل مرکز اسلامی هامبورگ

صفحه ۵

مینا احدی

جنگ قره باغ، ناسیونال - فاشیسم ترک و ارمنی و راه حل!

صفحه ۶

محسن ابراهیمی

آمران علنی خشونت

صفحه ۷

مراد مکوندی

روز جهانی کودک را گرامی بداریم!

صفحه ۸

درگذشت شجریان: تظاهرات در برابر بیمارستان جم

صفحه ۸

گزارشی از یکی از کارگران نفت

صفحه ۹

آکسیونهای شبیه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

صفحه ۱۲

در این تجمعات شرکت کنید

اطلاعیه ها

تلخیصی از اطلاعیه های حزب

هفت تپه: تجمع اعتراضی کارگران کوره های بخار، و دیگر اطلاعیه ها

صفحه ۱۳

ضمیمه انترناسیونال 889 به مناسبت 10 اکتبر

روز جهانی علیه اعدام، دوشنبه منتشر می شود!

فروپاشی اقتصادی و انفجار جامعه

شهلا دانشفر

گرفته است. کرونا هم مزید بر علت شده و بر وخامت اوضاع شدت داده و هم جان مردم را میگیرد و هم زندگیشان را بیشتر و بیشتر به مشقت تبدیل کرده است.

بروزات این وضعیت از هم پاشیده اقتصادی را در افزایش سرسام آور تورم و رشد قیمت ها میشود به روشنی دید. هم اکنون نرخ تورم سه رقمی است. به گفته حکومتیان

آخرین باری که ایران تورم بالای ۱۰۰ درصد را تجربه کرد، سال ۱۳۲۲ یعنی هفتاد و هفت سال قبل در اوایل دوره پهلوی دوم بوده است.

امروز اوضاع حتی از آن دوره هم بدتر است. ارزش ریال بشدت سقوط کرده و افزایش قیمت دلار سیر صعودی دارد و به ۲۹۰۰۰ تومان رسیده است و این بر افزایش قیمت کالا در بازار شتاب داده است.

این درحالیست که صدور نفت به عنوان یکی از منابع مالی حکومت به رقمی بین ۱۰۰ هزار تا ۲۰۰ هزار بشکه کاهش یافته و این خود بر معضل کسری بودجه دولت افزوده است. با کاهش ارزش

ادامه در صفحه ۲

اقتصاد در هم شکسته جمهوری اسلامی زندگی و معیشت مردم را هر روز بیشتر به تباهی میکشد. بحث بر سر گرسنگی، بی مسکنی و بی تامینی اکثریت عظیم مردم و ابعاد فاجعه بار آنست و در برابر چنین وضعیتی است که مردم یک پارچه در خشم بسر میبرند و به اشکال مختلف اعتراض میکنند.

آمارها تکان دهنده است. از یکسو تورم بیداد میکند و هر روز قدرت خرید مردم کمتر و کمتر میشود و از سوی دیگر شاهد رکود کامل و از جمله صف های طویل تهیه ارزاق و نیازهای اولیه ای چون آب و گاز و دیگر مایحتاج زندگی و پدیده ای چون کمبود مواد اولیه برای چرخش تولید در کارخانجات هستیم. تحریمها نیز که حکومت خود یک عامل اصلی آنست بر وخامت اوضاع افزوده است. از جمله در چند

ساله اخیر کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده و بیکارسازی های میلیونی به راه افتاده و با ادامه آن بیکاری و بی تامینی در سطح جامعه ابعاد فاجعه باری بخود

افزوده است. از جمله در چند ساله اخیر کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده و بیکارسازی های میلیونی به راه افتاده و با ادامه آن بیکاری و بی تامینی در سطح جامعه ابعاد فاجعه باری بخود

افزوده است. از جمله در چند ساله اخیر کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده و بیکارسازی های میلیونی به راه افتاده و با ادامه آن بیکاری و بی تامینی در سطح جامعه ابعاد فاجعه باری بخود

افزوده است. از جمله در چند ساله اخیر کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده و بیکارسازی های میلیونی به راه افتاده و با ادامه آن بیکاری و بی تامینی در سطح جامعه ابعاد فاجعه باری بخود

افزوده است. از جمله در چند ساله اخیر کارخانجات بسیاری به تعطیلی کشیده شده و بیکارسازی های میلیونی به راه افتاده و با ادامه آن بیکاری و بی تامینی در سطح جامعه ابعاد فاجعه باری بخود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فروپاشی اقتصادی و...

شهلا دانشفر



ریال بانک مرکزی نیز جهت "تثبیت ریال" با چاپ اسکناس صدها میلیون دلار بی پشتوانه وارد بازار کرده است و این خود به رشد تورم شدت داده است. همچنین تازه ترین گزارش مرکز آمار ایران که هنوز با حقیقت ماجرا فاصله زیادی دارد، نشان می‌دهد که بیش از نیمی از کالاهای خوراکی افزایش قیمتی سرسام آورد داشته و اگر گوشت را از این اقلام کم کنیم در حداقل ترین محاسبه هزینه این اقلام برای یک خانواده متوسط بعلاوه اجاره خانه‌ها در تهران از ابتدای سال ۹۷ تا امروزه برابر شده است. بر اساس همین آمارها آخرین رقم اعلام شده حکومتی خط فقر ده میلیون است و از اینکه ۵۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند گزارش میشود.

این درحالیست که حداقل مزد یک کارگر البته اگر به موقع پرداخت شود، ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومان و حداقل مستمری یک بازنشسته کارگر با ۳۰ سال سابقه‌ی پرداخت بیمه، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است. بعلاوه بخش عظیمی از جامعه بیکارند و از هیچگونه تأمینی برخوردار نیستند. بدین ترتیب حتی اگر همین آمارهای دولتی را مبنا بگیریم، میتوان تصویری از

وارداتی و حمل و نقل قرار دارند و در تمام تار و پود اقتصادی جامعه چنگ انداخته و حاکمیت میکنند. از سوی دیگر این حکومتی است که ستون فقرات اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است و بخاطر انزوای بین المللی و بحران سازبهبایش در منطقه و تحریمهایی که به همین علت بر آن تحمیل میشود، بحران اقتصادی ای اش تشدید شده و به بن بست کامل رسیده است.

به این اعتبار در ایران بطور واقعی نمیشود به مفهوم دقیق کلمه از مقوله ای به اسم اقتصاد و بحران اقتصادی به مفهوم معمول و شناخته شده آن سخن گفت. اقتصاد ایران یک اقتصاد بیمارست که در آن یک اقلیت کوچک مفتخور از طریق مجاری ای غیر تولیدی چون دزدی، قاچاق و رانت خواری ثروتهایی نجویی را در چنگ خود گرفته است. و در مقابل جامعه ای را داریم که در آن گرسنگی و بی تأمینی و فقر و فلاکت بیداد میکند. این روال بیش از ۴۰ سال حاکمیت این رژیم جریان داشته و ساختاری است و امروزه به ته خط رسیده است. در مقابل جامعه نیز در غلیان است. و این چیزی است که

خود حکومتیان و اقتصاد دانانشان از آن سخن میگویند و از عواقبش هر روزه هشدار میدهند.

یکی از این اقتصاددانان حسین راغفر است. او در برنامه ای تلویزیونی اقتصاد ایران را رفاقتی و نه رقابتی «توصیف کرده و مثال آورده و میگوید: «بدون وثیقه کافی، تلفن می‌زنند و می‌گویند به فلانی ۳ هزار میلیارد تومان وام بدهید...» و این پول داده میشود. او در بحث دیگری

در زمینه اقتصاد و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی از تغییراتی در ساختار اقتصاد در «۳۰ سال گذشته» که در آن مافیای قدرت و ثروت تمام مراکز تصمیم گیری های اساسی کشور را در دست دارند و اینکه دارند از این بازار آشفته به نفع خود استفاده میکنند، سخن گفته و حسرت بازگشت به دهه اول جمهوری اسلامی یعنی دوره خمینی را میخورد. و بالاخره در سخنان جنجالی اخیرش از اینکه با منابع مردم به اسم فولاد و پتروشیمی و غیره بنگاه درست میکنند و گاز مجانی، آب مجانی، برق مجانی، سنگ آهن مجانی میگیرند و وقتی هم صادر میکنند پولش را برنمی‌گردانند گوشه ای از بساط

رانت خواری مافیای حاکم را ترسیم کرده و با تاکید بر اینکه چنین جامعه ای اصلا امکان بقا ندارد، هشدار میدهد. همه حرفش نیز اینست که مسئولین باید کاری کنند چون دیر یا زود مردم صدایشان به اشکال مختلف در خواهد آمد و با هشدار خطر به خیابان آمدن دوباره مردم، این سوال را در مقابل دست اندرکاران حکومتی قرار میدهد که آیا آنها میخواهند این نظام برود یا بماند.

اما مردم جواب این "کارشناس اقتصادی" حکومت را در همان آبانماه و با شعار جمهوری اسلامی نایب باید گردد دادند.

نتیجه آخر اینکه بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همانطور که بارها تاکید کرده ایم بحرانی ساختاری است و پاسخ اقتصادی ندارد. راه حل سیاسی برای برون رفت از این جهنم، انقلاب مردم است. راه دیگری وجود ندارد. پیام خیزش آبانماه و دیماه مردم نیز همین بود و گسترش اعتراضات مردمی در پی این اتفاقات هم در همین بستر قرار دارد. از جمله اگر به اعتراضات هر روزه کارگری نگاه کنیم، یک رودررویی ادامه در صفحه ۹

جنگ قره باغ: راه حل چیست؟

حمید تقوایی



تحركات فاشیستی، در جامعه ای که بخش عظیم مردم در همه استانهای کشور درگیر مبارزه ای سخت و پیگیر با جمهوری اسلامی هستند، بجز دفاع از رژیم و بدر بردن آن از زیر تیغ حمله توده مردم معنائی ندارد. باید فعالانه در برابر این تلاشها ایستاد و آنرا خنثی کرد. در این مورد باید بیشتر نوشت اما موضوع اصلی این مقاله یافتن راه حلی برای ختم جنگ جاری و کلا برای حل پایه ای تر مساله قره باغ است. این راه حل به نوبه خود میتواند سیاستها و اقدامات ارتجاعی و ضد انسانی رژیم در منطقه و نفرت پراکنی های نیروهای ناسیونالیست ترک در ایران را نیز خنثی دهد.

ویژگیهای مساله قره باغ و راه حلهای کلاسیک مساله ملی

سؤال اینست که راه حل چیست؟ نیروهای چپ و مترقی، نیروهائی که خواستار حل مسله به نفع مردم قره باغ و کل مردم منطقه هستند چه راه حل و آلترناتیوی دارند؟ رفراندوم و همه پرسی از مردم قره باغ؟ جدائی و استقلال؟ پیوستن به ارمنستان یا به آذربایجان؟ خودمختاری؟ و یا...؟

اینها هیچ یک راه حل نیست. برای راه حل واقعی و انسانی مساله باید ماهیت مساله را شناخت. بی شک نفرت پراکنی های قومی- نژادی، که بوسیله دو دولت آذربایجان و ارمنستان دامن زده میشود یک عامل مهم و اساسی در ایجاد وضعیت حاضر است. دخالتگری دولتهای ثالث- از جمهوری اسلامی و ترکیه و اسرائیل تا روسیه و آمریکا و فرانسه و غیره- با استفاده از تخاصمات ناسیونالیستی- قومی- مذهبی نیز در تداوم این



مورد کردستان صادق است- بلکه ناشی از تخاصم و نفرت پراکنی قومی - نژادی است که بین ساکنین در یک منطقه واحد بوسیله دو دولت ارمنستان و آذربایجان و نیروهای فاشیستی وابسته به آنها دامن زده شده است.

از نظر جغرافیائی قره باغ برخلاف مناطق دیگری که مساله ملی دارند، منطقه ای در دل آذربایجان و تماما احاطه شده بوسیله آن کشور است و نه با ارمنستان و نه هیچ کشور دیگری مرز مشترک ندارد.

از نظر دموگرافیک مردم ارمنی زبان (۸۰ درصد جمعیت قره باغ) و مردم ترک زبان در شهرها و روستاهای مشترکی زندگی میکنند. از این نقطه نظر تمام منطقه قره باغ شبیه شهرهای "دوملیتی" نظیر ارومیه و ایلام در ایران و یا کرکوک در عراق است.

این ویژگیها راه حللهائی مثل استقلال یا خودمختاری و یا پیوستن به جمهوری آذربایجان و یا ارمنستان را بی معنی میکند. تا آنجا که به استقلال مربوط میشود علاوه بر اینکه استقلال منطقه ای که تماما بوسیله یک کشور دیگر احاطه شده عملا امکان پذیر نیست (بویژه وقتی دولت کشور احاطه کننده استقلال را برسمیت نشناسد)، مشخصا در مورد قره باغ بخاطر ترکیب جمعیتی و با توجه به سابقه نفرت پراکنی ها و نسل کشی های نیروهای فاشیستی ترک و ارمنی علیه یکدیگر، مساله تخاصم بین ۲۰ درصد و ۸۰ در صد همچنان بعد از

ادامه در صفحه ۱۰

درگیری ها نقش مهمی داشته است. اما ریشه مساله قره باغ تبعیض و ستم ملی - به معنائی که مثلا در مورد کردستان صدق میکند- نیست. بلکه بیشتر به مساله یوگسلاوی در دوره پس از فروپاشی شوروی شبیه است. هم مساله قره باغ و هم یوگسلاوی - مستقل از هر نوع سابقه و قدمت تاریخی که جدل و کشمکش بین اقوام و مذاهب مختلف در این مناطق ممکن است داشته باشد- ناشی از شرایط دنیای پس از جنگ سرد است. همانطور که سر بلند کردن جنبش اسلام سیاسی در منطقه نه به جنگهای صلیبی و یا تخاصمات میان سنی ها و شیعیان در دوران عثمانی، بلکه به ملزومات نظم کاپیتالیستی در عصر ما مربوط میشود. جنگ قره باغ نیز مانند تروریسم اسلامی، جمهوری اسلامی و داعش و طالبان، و جنگ همسایه کشی در یوگسلاوی ناشی از ضروریات سیاسی حفظ و تداوم سلطه منطقه ای و جهانی بورژوازی در دنیای پسا جنگ سرد است. جنگ و نسل کشی قومی- مذهبی در یوگسلاوی بالاخره با تقسیم آن به چند کشور خاتمه یافت اما در مورد قره باغ این چشم انداز هم وجود ندارد.

پیچیدگی و ویژگی مساله قره باغ اساسا ناشی از سه فاکتور است: از نظر سیاسی مساله قره باغ ناشی از اعمال تبعیض و ستم ملی از طرف دولت مرکزی علیه بخشی از مردم نیست - آنطور که مثلا در

که در این کشورها بیداد میکند.

وضعیت سیاسی در ایران و جنگ قره باغ

جنگ قره باغ از دو جنبه به شرایط سیاسی در ایران مربوط میشود. جنبه اول وضعیت متناقض رژیم در منطقه است. جمهوری اسلامی در این جنگ از یکسو متحد روسیه و ارمنستان در مقابل بلوک ترکیه- آذربایجان - اسرائیل است و از سوی دیگر با دولت آذربایجان بعنوان دولت کشوری با مذهب رسمی تشیع از نظر ایدئولوژیک همسو و هم جهت است. از یکسو امام جمعه ها در دفاع از "حکومت برادر" آذربایجان به منبر میروند و از سوی دیگر کامیونهای روسی حمل اسلحه از طریق مناطق شمالی ایران مشغول کمک رسانی به نیروهای نظامی ارمنستان هستند. این وضعیت متناقض موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی را بیش از پیش تضعیف میکند.

جنبه دیگر ارتباط جنگ قره باغ با شرایط سیاسی در ایران سر بلند کردن نیروهای ناسیونالیست- فاشیست ترک در منطقه آذربایجان ایران است. این نیروها که با هر بهانه ای بر طبل نفرت پراکنی علیه همه مردم غیر ترک زبان میکوبند این بار در جنگ قره باغ بهانه تازه ای برای حمله به ارمنی ها و فارسها و کردها، یا بعبارت دقیقتر مردم منسوب به این اقوام و ملیتها، یافته اند. این تبلیغات و

جنگ جاری در قره باغ آخرین حلقه از کشتارها و نسل کشی های قومی - نژادی بین نیروهای ناسیونالیست ارمنی و ترک در این منطقه است. در چند دهه اخیر، پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوریهای آذربایجان و ارمنستان، بارها شعله جنگ در این منطقه بین این دو کشور زبانه کشیده است و مانند همه این نوع جنگهای قومی- نژادی دولتهای ارتجاعی منطقه ای و فرامنطقه ای نیز مستقیم و غیر مستقیم در این جدال سهیم و دخیل بوده اند. این سلسله جنگها در اواخر حکومت شوروی از فوریه ۱۹۸۸ آغاز شد و با پیمان آتش بس در مارس ۱۹۹۴ خاتمه یافت. اما تنش و درگیریهای نظامی بین دو دولت ارمنستان و آذربایجان تا امروز ادامه داشته است. از سال ۹۳ دولت ارمنستان منطقه قره باغ و منطقه نسبتا وسیعی از آذربایجان (منطقه حائل بین مرز ارمنستان و قره باغ) را به تصرف خود درآورد و این مساله خود زمینه جنگ و درگیریهای بیشتری را فراهم کرد. نسل کشی و پاکسازی قومی خصلت اصلی این جنگ بوده است. جنگ وحشیانه ای که تا امروز ده ها هزار کشته و صدها هزار آواره به جا گذاشته است. این جنگ در عین حل توجیه و محملی در دست دولتهای ارمنستان و آذربایجان برای انحراف افکار عمومی مردم هر دو کشور از فساد و فقر و بی حقوقی است

"تنویر افکار عمومی" توسط حکومت اسلامی!

کاظم نیکخواه



ابراهیم رئیسی در مورد قوه قضائیه که ایشان ریاست آنرا به عهده دارد مدتی پیش گفت "تنویر افکار عمومی از مهمترین برنامه های دستگاه قضائی است". برآستی هم این حکومت اقدامات شایانی در "تنویر افکار عمومی" انجام داده است. یک نمونه اش که این روزها شاهد بوده ایم گرداندن مجرمین و متهمین در ملاء عام در وضعیتی غیر انسانی و تحقیر آمیز و همراه با شکنجه و کتک کاری آنها در برابر چشم مردم است. برای نمونه روز سه شنبه این هفته ۱۵ مهر نیروی انتظامی تهران فردی را در خیابانهای شهر گرداند که رسانه های داخلی او را «شورور محله مشیریه» تهران نامیده اند. در ویدیو هایی که از این صحنه در شبکه های اجتماعی منتشر شده است، ماموران نیروی انتظامی دیده می شوند که سوار بر خودرو و با نقاب در کنار او ایستاده و بر سر و رویش می زنند و او را در برابر چشم مردم شکنجه میکنند. قبل از آن نیز مشابه این نمایش در رشت اجرا شده بود و نیروی انتظامی فردی را در سطح شهر گرداند که ادعا میکردند سه شنبه هفته گذشته (هشتم مهر) یک درگیری خیابانی را به داخل بیمارستان پورسینای رشت کشانده بود. حدود دو هفته قبل نیز پلیس دست به اقدامی مشابه در محله تهران

در ملاء عام بگردانند و تحقیر و شکنجه کنند. برآستی این نوع سیاستها از جانب یک دولت در این دوره از تاریخ بشری باور کردنی نیست. و اوج بربریت و عقب ماندگی و پوسیدگی مغز حاکمین این کشور را بازتاب میدهد. اینکه انسانی را به دلیل اینکه جرمی هرچند بزرگ و یا کوچک مرتکب شده است، در وضعیتی فلاکت بار و تحقیر آمیز در برابر چشم مردم بگردانند، فقط نشان میدهد که عاملین چنین سیاستهایی خود از بدترین اوباش و اراذل تاریخ بشرند و بویی از ارزشهای مدرن و پیشرو بشری نبرده اند. با این نوع سیاستها و اقدامات نه فقط مجرمین راهی برای بازگشت به جامعه پیدا نمیکند، بلکه برعکس به موجوداتی زخم خورده و انتقامجو و پراز عقده تبدیل میشوند و معلوم نیست که در ادامه زندگی شان دست به چه اقداماتی خواهند زد. بعلاوه چنین سیاستی جامعه را نیز مسموم میکند. مردمی که در معرض این نوع اقدامات قرار میگیرند عملاً شکنجه میشوند و برخی ممکن است بتدریج در معرض عقب ماندگی و قهقرای اخلاقی و اجتماعی حکومت اسلامی قرار گیرند.

جمهوری اسلامی با این سیاستها قطعاً یک هدف سیاسی را هم دنبال میکند و

آن قدرت نمایی در برابر مردم سرنگونی طلب است. میخواهند با نمایش ظرفیتهای توحش خود جامعه را مرعوب کنند و عقب برانند. شاید این جنبه حتی مهمترین هدف حکومت از نمایش توحش علیه مجرمین در برابر چشم مردم باشد. ما مردم موظفیم که در برابر این نوع اقدامات و سیاستهای حکومت نیز بهر شکل ممکن بایستیم. باید این وحشی گری را محکوم کرد. باید به مردم هشدار داد که بویژه کودکانشان را از این صحنه های وحشیانه و دیگر نمایشات وحشیانه حکومت نظیر اعدام و شلاق دور کنند. باید به مردم فراخوان داد که علیه این نوع سیاستها به هر شکلی که میتوانند ابراز انزجار کنند. پایمال کردن شخصیت یک زندانی هر جرمی که مرتکب شده باشد مسموم و ضد انسانی است و خود تولید کننده جرم و جنایت است. اگر تحقیر و شکنجه و پایمال کردن حرمت افراد در جامعه به امری عادی تبدیل شود، مهار همه نوع اقدامات مجرمانه و ضد انسانی رها میشود و فضای جامعه با آموزش و فرهنگ ضد بشری و عقب ماندگی و دور از شان انسان مسموم میشود. تجربه خود جمهوری اسلامی نمونه گویایی از این واقعیت است که این نوع مجازاتها و کل

سیاستهای این حکومت خود یک منشاء تولید و گسترش جرم و جنایت در جامعه است. برعکس در کشورهایی که زندانی هر جرمی که انجام داده باشد از حقوق و حرمت و فضای انسانی برخوردار میشود و فرصت می یابد که خود را باز سازی کند و به اشتباهات خود پی ببرد، کمترین میزان جرم و جنایت در جامعه وجود دارد.

جمهوری اسلامی برآستی حکومت وحوش از گوربرخاسته تاریخ است که مفتخوران سرمایه دار بر سر مردم حاکم کرده اند. کل قوانین و سیاستها و اقداماتش از منطبق و ارزشهای پیشرو و مدرن انسانی تهی است و فقط نماینده عقب مانده ترین و غیر انسانی ترین تفکرات و سنتهای دوران جاهلیت بشر است. در برابر این حکومت کارگران و معلمان و دانشجویان و زنان و جوانان و بازنشستگان و کل مردم پیشرو و انسان دوست و مدرن این کشور قرار دارند و بدون تردید با در هم کوبیدن این دستگاه متعفن حاکم در این کشور، کل سنتها و سیاستها و قوانینش را برای همیشه از تاریخ بشری پاک خواهند کرد و فضای امن و آزاد و مدرن و انسانی را بر جامعه حاکم خواهند نمود.*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org
واتس اپ: +۲۴ ۷۴۲۵۵۶۲۴۴۲
تلگرام: @wpi_hkki
پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas
اینستاگرام: wpi91
فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



میشود. سخنرانها در این مراسم همگی تاکید داشتند که این مراکز، منافع حکومت اسلامی را پیگیری میکنند. این مراکز سازمان دهنده کلاسهای درس دانشگاه و کورسهای تدریس اسلام هستند که اساسا هدفشان جذب شیعیان از سراسر جهان و تبدیل کردن آنها به تروریستهای طرفدار خمینی و خامنه ای و کسانی است که هم اکنون به سوریه و یمن و افغانستان و .. فرستاده میشوند تا در معیت سپاه پاسداران و سپاه قدس برای سرکوب مردم و دفاع از منافع حکومت اسلامی کشته شوند بچنگند و

در آلمان صحبت از ممنوع کردن و بستن این مرکز است. بدنبال ممنوع کردن حزب الله در آلمان قدم بعدی ممنوع کردن مراکز وابسته به حکومت اسلامی است، مراکزی که هر ساله در برلین مراسم روز قدس سازمان میدهند و شعارهای کشتن بی خدایان و یهودیها و نابودی کشور اسرائیل را سر میدهند

یک جنبه مبارزه ما در آلمان، مقابله با نفوذ سازمانهای اسلامی در این کشور بوده است. واقعیت اینست که با رشد و قدرت گرفتن جنبش اسلامی در ایران و در بسیاری از کشورهای منطقه، نیروهای وابسته به این جنبش اسلامی در اروپا و در همه جا پیدا شده و سازمانهای متعدد

مبارزه برای تعطیل مرکز اسلامی هامبورگ

مینا احدی



این مرکز دست دراز شده حکومت اسلامی است

شیب زمین به نفع ما عوض شده است. در هر حال در آلمان داریم بطرف ممنوع کردن مرکز اسلامی هامبورگ و بستن مسجد امام علی می رویم و قرار است بزودی در سطح مقامات بالای آلمان و نمایندگان پارلمان و حتی در حزب سبز آلمان در یک نشست ویژه در این مورد صحبت بشود و به زودی کنفرانس بزرگ دیگری در این مورد در آلمان برگزار میشود که از نظر من همگی کمک خواهند کرد ما به این هدف نزدیکتر شویم

این یک پیشروی بزرگ ما در تحمیل سیاست بایکوت سیاسی حکومت اسلامی ایران است. واقعیت اینست که مراکز اسلامی وابسته به حکومت اسلامی، مهمترین مراکز گسترش دست و پای حکومت اسلامی در غرب هستند و فراخوان من به همه فعالین سیاسی و احزاب اپوزیسیون اینست که این مراکز را در همه جای دنیا و بویژه در کانادا، زیر فشار قرار دهید و کاری بکنید که این مراکز در همه جا بسته شوند.*

۷ سپتامبر ۲۰۲۰

اسلامی هر یک وابسته به کشوری در اروپا و در همه جا سعی میکنند مردم فراری از کشورهای اسلام زده را در همین جا نیز کنترل کنند. و متاسفانه دولتهای اروپایی و غربی به دلیل سیاست مماشات خود با حکومتهای اسلامی با این نیروها نه فقط کنار میایند، بلکه آنها را نماینده فراریان قلمداد کرده و چنین وانمود میکنند که با دادن امتیازات مالی و معنوی به این سازمانهای اسلامی، را در این کشورها مسلمانها!! ادغام و یا انتگره میکنند. اتفاقات نا میمونی که در سالهای گذشته جلوی چشم همه در حال افتادن هست و ما یعنی کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری نهاد اکس مسلم که به و ابتکار ما تشکیل شده، تنها جریاناتی هستیم که در کنار سازمانهای اثنیست و منتقد دخالت مذهب در سیستم و در آموزش و پرورش، در کنار هم سالها علیه این سیاست مبارزه کرده ایم

از سوی دیگر بدلیل مبارزات درخشان مردم در ایران و لبنان و عراق و سوریه و بویژه بدلیل مبارزات زنان در این کشورهای اسلام زده، توجه افکار عمومی به این موضوع جلب شده و اکنون

به دعوت یک سازمان مدافع حقوق زنان، روز شنبه سوم اکتبر، روزی که درهای مساجد در آلمان برای عموم باز بود، در مقابل مسجد حکومت اسلامی در هامبورگ میتینگی برپا شد که در آن ۱۲ نفر از شخصیت های سرشناس منتقد حکومت اسلامی و اسلام سیاسی و همچنین چند نماینده پارلمان آلمان از احزاب متعدد سخنرانی کردند". در ادامه اعتراضاتی که در کشور آلمان در مورد مرکز اسلامی هامبورگ وابسته به حکومت اسلامی ایران در جریان است یک هفته قبل از این میتینگ، روزنامه معتبر دی ولت، مصاحبه و رپرتاژ مفصلی در مورد جاسوسی این مرکز علیه اپوزیسیون حکومت اسلامی منتشر کرد. در این رپرتاژ و مصاحبه مفصل که در روزنامه "ولت ام سوتناگ" منتشر شد، گفته شد که مرکز اسلامی هامبورگ دست دراز شده حکومت اسلامی در آلمان است و این مرکز به

سازماندهی ترور و همچنین آموزش تروریستهای اسلامی طرفدار حکومت اسلامی مشغول است. چند ماه قبل نیز بعد از ترور قاسم سلیمانی، در مسجد آبی وابسته به مرکز اسلامی هامبورگ، مراسم بزرگداشت سلیمانی برگزار شده بود که مینا احدی و علی توپراک مسئول سازمان کردها در آلمان و عضو حزب سوسیال مسیحی از این مرکز شکایت کرده بودند و دادستان آلمان این شکایت را پذیرفته بود که در حال بررسی هستند

میتینگ در مقابل مسجد و سخنرانی های تند نمایندگان پارلمان و همه سخنرانها نشان دادند که مراکز وابسته به حکومت اسلامی که شامل سفارت این حکومت و همین مراکز اسلامی و مساجد آبی و یا امام علی در اروپا و کانادا و امریکا و در همه جا هست، مورد توجه افکار عمومی هست و به ویژه در آلمان حلقه محاصره دور این مراکز دارد تنگ تر

KANAL DJADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8



خوجالی توسط فاشیستهای ترک و ارمنی فقط چند نمونه هستند که رنجهای بی حد و حصری به مردم از هر دو طرف تحمیل کرده اند.

جنگ قره باغ در خدمت نیاز سیاسی طبقات حاکم!

سری به رسانه های اجتماعی بزنید تا مستقیماً از اخبار مربوط به فساد اقتصادی و سیاسی طبقات سرمایه دار حاکم در ارمنستان و آذربایجان، دره عمیق میان فقر و ثروت در هر دو کشور، اعتراضات اجتماعی و سیاسی طبقات و اقشار محروم به این وضعیت، خشونت نیروهای سرکوبگر هر دو دولت در هر دو کشور مطلع شوید. در آذربایجان نزدیک سی سال است که حیدر علی اف و وارثش الهام علی اف در حاکمیت بوده اند و ثروت و امکانات کشور را در خدمت هزار فامیل مافیایی میلیاردی حاکم چپاول کرده اند. در ارمنستان همین چند سال پیش جنبش اعتراضی مردم را به نفع نیکول پاشینیان مهندسی کردند تا خواست طبقات محروم و ستمدیده را با وعده اصلاحات ساکت کنند.

یک زمینه مستقیم تقابل نظامی دو طرف به نام «نجات خاک و ملت و میهن» تحت الشعاع قرار دادن اعتراضات سیاسی داخلی توسط طبقات محروم و ستمدیده در هر دو کشور و فائق آمدن بر بحرانهای سیاسی داخلی است.

جنگ قره باغ و

ارتجاع منطقه ای!

در جنگ قره باغ نه فقط دولتهای آذربایجان و ارمنستان بلکه دولتهای دیگری درگیر هستند که در صف بندیها و تنشها و جنگهای مربوط به بحران حل نشده منطقه نقش فعال داشته و

جنگ قره باغ، ناسیونال - فاشیسم ترک و ارمنی و راه حل!

محسن ابراهیمی



دوران مدها و حمله ها و اشغالهای متعدد توسط امپراطوریهای روم و هخامنشیان و ساسانیان و حملات ددمنشانه مغولها و تیمور لنگ و هونها و نقش عباسیان و صفویان و قزلباشها و قاجارها و تزارهای روسیه و بعداً سیاستهای استالین عقب برد و نقش هر کدام در جابجایی های دموگرافیک و نسل کشی ها و آواره سازیها را نشان داد. اما فجایعی که به نام ارمنی و ترک الان رخ میدهد ریشه در معادلات و تنشهای سیاسی دوران معاصر و رقابتهای اردوکشیها و جنگهای نیابتی دول مرتجع منطقه و حامیان جهانیان دارد.

قره باغ هر تاریخی پشت سر گذاشته باشد این روشن است که در جنگ قره باغ دو دولت آذربایجان و ارمنستان به نمایندگی از دو ایدئولوژی و دو جنبش فاشیستی ترک و ارمنی، مسائل انباشته شده در این تاریخ طولانی را برای رسیدن به مقاصد سیاسی و طبقاتی همین امروزشان به کار میگیرند. مردم این منطقه برای قریب یک قرن کنار هم زندگی کرده اند تا اینکه ناسیونال - فاشیستهای حاکم در آذربایجان و ارمنستان به نام «آرمانها و سرزمینها و خاکهای مقدس» ترک و ارمنی جنگ راه انداخته و جنایات دهشتناکی را مرتکب شده اند. قتل عامها و پاکسازیهایی قومی در باکو و سومقاییت و

جنگ قره باغ که از قریب ۳۰ سال پیش تاکنون صدها هزار انسان را کشته، آواره و بیخانمان کرده است و الان درحال اوج گرفتن است جنگی میان «ترکها و ارمنیها» نیست. جنگ دو دولت، دو هیئت حاکمه در آذربایجان و ارمنستان است که به نام دفاع از «ترکها یا ارمنیها» براه انداخته اند و ادامه میدهند.

یک رکن اصلی راه حل نهایی این جنگ خانمانسوز قومی - مذهبی پایان دادن به حاکمیت ناسیونالیست - مذهبی در هر دو طرف، بدست گرفتن اختیار و سرنوشت سیاسی در این کشورها توسط نیروها و مردمی است که هیچ نفعی در کشتار و قتل عامهای قومی و مذهبی ندارند و استقرار ساختاری سیاسی است که تامین حقوق شهروندی همه ساکنین منطقه وظیفه اصلیش است.

دروغهای ناسیونالیستی

در باره ریشه تنش:

مثل همه تاریخها در باره تنشهای قومی و مذهبی، اینجا هم مورخین و تحلیلگران ناسیونالیست ترک و ارمنی سراپا دروغ تحویل مردم داده اند. روایت هر طرف را نگاه میکنید سرشار از جنایات فجیع توسط طرف مقابل و پنهان کردن جنایات خودشان و نفرت پراکنی علیه طرف مقابل است.

میتوان تاریخ و ریشه های تنش امروز در قره باغ را تا

منازعات منطقه ای در بلوک روسیه قرار دارد و متحد استراتژیک قلمداد میشود.

اردوغان در نقطه مقابل، علناً فریاد میزند آذربایجان و ترکیه «یک ملت و دو دولت» هستند و مزدوران اسلامی و جهادپیش در شمال سوریه را برای کمک به «برادران اسلامی ترک» گسیل میکند تا هم به نام «نجات برادران ترک» مردم معترض خود ترکیه را با تحریکات ناسیونالیستی سرکار بگذارد و هم به مثابه یک رهبر اسلامی - ناسیونالیست مقتدر در بحران سیاسی منطقه ظاهر شود. او که نتوانسته در صحنه خونین سوریه به اهدافش برسد این بار میخواهد با دست بالا پیدا کردن جمهوری آذربایجان در این مناقشه به عنوان یک رهبر مقتدر ظاهر شود تا شاید فرجی برای تحقق آرزوی مالیخولیایی دیرینه اش برای اعاده امپراطوری عثمانی حاصل شود.

می بینید که خاصیت و نفع سیاسی ناسیونالیسم و تحریکات ناسیونالیستی و فاشیستی فقط داخلی نیست. فقط در خدمت الهام علی اف در آذربایجان و نیکول پاشینیان در ارمنستان و طبقات حاکم این دو کشور نیست. فراتر است. منطقه ای است. به یک معنا حتی جهانی



و آزادیخواه هم تعدادشان بسیار بیشتر شده است و هم اینکه جنبش زنان با جنبش های اجتماعی نظیر جنبش کارگری و معلمان و دانشجویان و با جنبش علیه سانسور پیوند خورده است و هم اینکه رسانه های فراگیر و شبکه های اجتماعی، مطالبات و اعتراضات زنان را به طرز گسترده ای انعکاس می دهند. بطوریکه کمتر فشار و سرکوبی است که از دید جامعه و از نگاه وجدان بیدار بشریت پنهان بماند.

در اعتراض به سخنان سخیف و ضدزنی که از دهان پاره گوی امامان جمعه ی اصفهان و بجنورد بیرون آمده است، کاربران شبکه های اجتماعی یکصدا بپا خاستند تا جاییکه آمران بی شرم خشونت علیه زنان که در حقیقت آمران خشونت علیه جامعه اند، به غلط کردن افتادند و حرف خود را پس گرفتند. اگرچه ممکن است مثل همیشه دروغ گفته باشند، چراکه دروغگویی کارشان است، اما این حقیقت فشار از پایین نشان داد که حکومت و نمایان سرکوب، با فشار افکار عمومی روبرو هستند. اگر تمام رسانه ها در چنبره حکومت به اسارت گرفته شده است، شبکه های اجتماعی در دست مردم است. همه می دانند که این از گور برخاستگان تاریخ و این داعشیان حاکم و ایادی کهنه پرست شان اگر بتوانند، و اگر فشار افکار عمومی و شبکه های اجتماعی نباشد، نفس کشیدن را هم قلعن می کنند.

عقب نشینی دو امام

آمران علنی خشونت

مراد مکوندی

مرعوب سازند.

اگر تا دیروز امام جمعه اصفهان در لفافه گفت که باید چوبه را برای زنان بالا برد و در پی آن زنان زیادی قربانی پروژه ی حکومتی اسیدپاشی شدند و عاملان این جنایت و شناعة تا امروز شناسایی و تحت تعقیب قضایی قرار نگرفتند، امروز یک بار دیگر و این بار با لحنی بی پروا و آشکارتر می گویند که همان اوباش و اراذل دولت پناه و دست ساز نهادهای امنیتی باید جامعه را برای زنان، ناامن کنند! "جامعه را برای زنان ناامن کنید" اسم رمز کشتن و اسید پاشیدن است. این فرمان ضدبشری را فقط امام جمعه ی اصفهان نداده است بلکه امام جمعه ی بجنورد در خراسان شمالی هم این نعره ی ددمنشانه و شیطان صفتانه را سر داده است. همزمانی و همزمانی این نعره های اهریمنی و ضدزن، نشان از سیستماتیک بودن آن دارد. نشان از یک هدایت و حمایت حکومتی است که ریشه ی گندیده ی آن به ستاد سیاست گذاری امامان جمعه و به بیت خامنه ای می رسد.

مروجین و آمران خشونت یک چیز را خوب تشخیص داده اند و آن پیگیری و خستگی ناپذیری زنان برای مطالبات و احقاق حقوق اجتماعی شان است. اگر در سال ۵۷ و دهه ی ۶۰ سرکوب زنان در پناه سکوت و بی خبری و بی رسانه گی صورت می گرفت، امروز زنان معترض

جمهوری کثافت اسلامی نشان داد که جرثومه ی نکبت و جنایت است. حکومت دون شان انسان، چهره ی کریه اش را از همان فردای انقلاب ۵۷ و حتی پیش از آن نشان داد. چهره ی دیوآسای ضد زن جمهوری خون و لجن از همان اسفند ۵۷ در سرکوب تظاهرات شجاعانه ی زنان در اول مارس آنسال نمایان شد و بعد از آن نیز با کشتارهای سبانه اش در کردستان و گنبد و در فاجعه ی کوی دانشگاه و قتل های زنجیره ای در جهرم و کرمان و تهران و در جای جای ایران ثابت شد که این رژیم جز با زبان زور و خشونت نمی تواند حرف بزند. زنان در مرکز انواع خشونت های حکومت اسلامیست های به قدرت رسیده قرار داشتند و تا به امروز نیز زنان به دلیل آنکه در مقابل این حکومت خشونت آفرین ایستاده اند، آماج کورترین و وحشیانه ترین حملات سازمانیافته قرار گرفته اند. بعد از آنکه مقاومت جانانه ی زنان و مردان جامعه دست های آلوده ی حکومت مرتجعین تاریخ را از سنگسار کوتاه کرده است و طرح های گوناگون نیروی انتظامی و گشت های ارشاد یکی پس از دیگری سرش به سنگ خورد، گله های اوباش و آتش به اختیار به فتوای پنهان و آشکار آیت اله های قرون وسطایی به صورت زنان اسید پاشیدند تا هم زنان را از پیگیری مطالبات حقوق شان منصرف کنند و هم جامعه را

تخم قتل و غارت و خشونت را در جامعه می پراکند؟

این چه دستگاه قضایی است که دست های کثیف و خون آلود این بیماران خشونت آفرین را علیه مردم باز گذاشته است! اگر این دو نفر بر حسب ناآگاهی و لقی لقه ی زبان، این فرمان زن ستیزانه و نا امن کننده ی جامعه را داده اند، چرا سران سه قوه و در راس آن ها خامنه ای سکوت کرده اند؟ خامنه ای که برای هر موضوع کوچک و بی اهمیتی ساعت ها روضه خوانی می کند و هشدار می دهد و نفی و نهیب می زند، چرا در برابر این دهن کجی بزرگ به مردم، ساکت نشست است؟

مردم می دانند که این حرف ها که از بعضی منابر و از دهان امامان جمعه و جماعات بیرون می آید چه بسا سیاست راس بالای حکومت است و برای همین است که جامعه و وجدان های آگاه و معترض یکپارچه در مقابل این جنایات می ایستد و تصمیم گرفته است که جامعه را از شر این وصله ی ناجور در قرن بیست و یکم خلاص کند. آن روز دور نیست. صدای شیپور سرنگونی جمهوری اسلامی از همه جای ایران بلند شده است. امام جمعه ی اصفهان و بجنورد پنبه ی نادانی را از گوششان بیرون بیاورند تا فریاد مردم را بشنوند!*

جمعه از فرمان خشونت علیه زنان، تنها دروغگویی و حيله ی آن ها نیست، بلکه پیشروی جنبش زنان و اعتراضات گسترده ی اجتماعی نیز هست. پیشروی ای که حکومت از اعتراف به آن وحشت دارد. همانطور که از سرنگون شدن می هراسد.

از جنبه ی حقوقی هم اگر به حرف های ضدزن این دو نماینده ی حکومت سرکوبگر و داعشی نگاه کنیم، به دروغین بودن احکامی مانند "اقدام علیه امنیت ملی!" و یا "تشویش اذهان عمومی!" که در پرونده سازی ها علیه کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و بازنشستگان به کار می برند بیشتر پی می بریم. چه کسی امنیت جامعه را به خطر انداخته است؟ کارگران بیکار شده و معترض به زندگی زیر خط فقر یا این امامان جمعه؟ چه کسانی اذهان عمومی را مشوش می کنند؟ کارگران معترض هفت تپه که جلوی غارت ثروت ها توسط بخش خصوصی ایستاده و به خیابان آمده اند یا این دو نماینده ی خامنه ای و حکومتش که موجی از نگرانی را به جامعه پمپاژ کرده اند؟ چه کسانی روح و روان جامعه را بیمار می کنند؟ خانواده های دادخواه کشته شدگان هوایمی اوکراینی ساقط شده با موشک های سپاه، یا امامان جمعه که با سخنان نفرت انگیز خود

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org



روز جهانی کودک را گرامی بداریم!

روز جهانی کودک را به همه انسانهای کودک دوست تبریک می‌گوییم. جهانی شاد و ایمن حق همه کودکان است. این جهانی است که باید به نیروی اراده و عزم ما برای کودکان ساخته شود. جهانی فارغ از بردگی مزدی و نابرابری برای همه کودکان ضروری ترین اقدام بشریت متمدن است.

جهان هیچگاه این چنین برای کودکان ناامن و مملو از خشونت نبوده است. جنگ و فرار و آوارگی مصیبت بار کودکان، در جهان سراسر پر از تبعیض و نابرابری به بخشی از حرمان بی پایان زندگی میلیونها کودک بدل شده است.

علیرغم ادعاهای پوچ دولتها، نه تنها از ابعاد کار حرفه‌ای کودکان، ازدواج

روز جهانی کودک روز اعلام کیفرخواست جهان متمدن علیه بربریت و کودک ستیزی حکومتها، دولت‌ها، مذاهب و سنن عقب مانده است.

نهاد کودکان مقدمند، با طرح خواستهای فوری، همه نهادها و فعالین دفاع از حقوق کودکان را به ساختن جهانی شاد و ایمن، فرا می‌خواند*

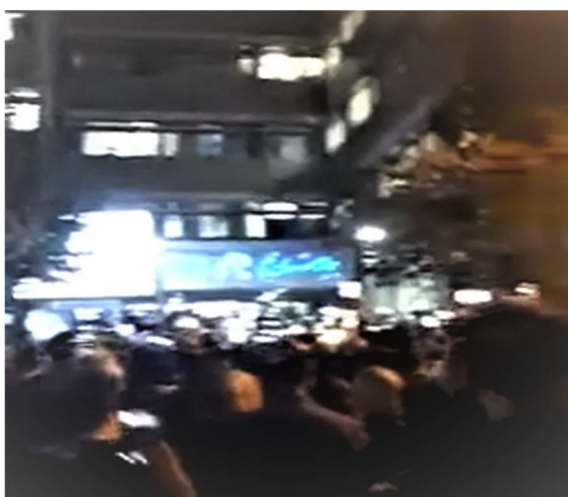
نهاد کودکان مقدمند

علیشناس و . . . به جرم دفاع از حقوق برابر کودکان به زندانهای طویل‌المدت محکوم گشته‌اند.

علیرغم همه ارجاها و ممنوعیت‌های قانونی، اما جامعه تصمیم قاطع گرفته است که به دفاع از کودکان برخیزد. جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارد و با خواستهای انسانی، جهانی شاد، خلاق و ایمن را برای کودکان مهیا کند.

بیش از هفت میلیون کودک و نوجوان از چرخه آموزش شده است. در حالیکه هیچ منبع و مرجع قانونی و دولتی برای دفاع از حقوق کودکان وجود خارجی ندارد. مدافعین حقوق کودکان، مداوما با پیگرد قضایی و زندان روبرو می‌شوند.

مدافعین سرشناس و محبوب حقوق کودکان، بهنام ابراهیم زاده، سعید شیرزاد، آتنا دائمی، امید



و محدودیت‌های حکومت بود، با شعار "دیکتاتور بمیرد، شجر هرگز نمیرد" گرامی

داشتند. نیروهای انتظامی به تظاهر کنندگان حمله کرده و شماری را دستگیر نمودند. مردم تلاش کردند دستگیر شدگان را آزاد کنند و با نیروهای انتظامی درگیر شدند. ماشینها چراغها را روشن کرده بودند و بوق میزدند و با تظاهر کنندگان ابراز همراهی میکردند. نیروهای انتظامی ورودیهای منتهی به

درگذشت شجریان: تظاهرات

در برابر بیمارستان جم

پنجشنبه شب ۱۷ مهر

بنا به گزارشهای منتشر شده با درگذشت محمد رضا شجریان خواننده معروف، پنجشنبه شب گذشته شمار زیادی از مردم، زن و مرد در برابر بیمارستان جم محل درگذشت او جمع شدند و شروع به شعار دادن کردند. تظاهر کنندگان به انتقال

مخفیانه جسد شجریان به بهشت زهرا اعتراض داشتند و زن و مرد ترانه های شجریان را میخواندند. مردم شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، ننگ ما ننگ ما صدا و سیما میخواندند، سرود یار دبستانی میخواندند و یاد محمد رضا شجریان را که زیر فشار

بیمارستان جم از جمله خیابان مطهری، مدرس، مهرآباد و جوانه را بستند. این خیابانها پر از نیروهای امنیتی بود. تعدادی از تظاهر کنندگان دستگیر و بسیاری نیز

توسط لباس شخصی ها ضرب و شتم شدند.*

نابود باد

حکومت اسلامی!

(این گزارش برای انترناسیونال تهیه شده است.)

گزارشی از یکی از کارگران نفت

بعضی از شرکت های دست دوم پیمانکاری در عسلویه که کارشون تقریباً داره تمام میشه و پروژه بالای ۸۰ تا ۹۰ درصد پیشرفت دارد مثل زیرمجموعه های شرکت سیلان در آینده احتمال ریزش نیرو دارند. اما فعلاً صاحبان کار برای اینکه پروژه خود را به آرامی به پیش ببرند صدای آن را در نمی آورند تا مبدا اعتراضی بلند شود. وزارت نفت به کارفرمایان عسلویه دستور داده که به پیمانکاران بگویند که شرکت هایی که در آنها اعتراض بوده حقوق کارگران را حداکثر ۹۰۰ هزار تومان افزایش بدهند. پاسخگویی به باقی مطالبات را نیز به بعدا موکول کنند. اما همه کارگران از این

توطئه گری ها خبر ندارند. آنها می خواهند پروژه خود را با کارگران تمام کنند بعد مثل همیشه پیمانکار به مقدار پول به آنها بدهد و بگوید بروید باقی پولتان را بعدا میدهیم. بعد هم دبه در آورده و حق کارگران را بالا میکشند. بویژه کارفرما صورت وضعیت رو هنوز نداده و تحت عنوان اوضاع پولی مملکت خرابه و داستان های تکراری همیشگی کارگر را سر میدوانند. در این میان عده ای از کارگران که ضمن راه انداختن کاسی ای کوچک در شهر خود مانده اند و میگویند حداقل پیش زن و بچه هایمان هستیم، چرا برویم برای پیمانکار زالو صفت مجانی کار کنیم و منتظر

شروع پروژه بعدی هستند. - تعداد کارگران قراردادی و پیمانکاری در صنعت نفت به مراتب از رسمی ها بیشتر است. اما دستمزد، شرایط شغلی و امنیت شغلی آنها در سطح نازلی قرار دارد. اعتراضات بسیاری در اعتراض به این تبعیضها و وضعیت اسفبار کاری و معیشتی از سوی کارگران قراردادی و پیمانی انجام گرفته است. آخرین مورد آن اعتراض ۲۵ هزار از کارگران پیمانی پایپینگ در مرداد ماه بود. در برابر اعتراضات کارگران وعده هایی مبنی بر یکسان سازی حقوق کارگران رسمی و پیمانی داده شده است، اما هیچکدام از این وعده ها عملی نشده است. فشار اعتراضات اخیر این موضوع را دوباره بر روی میز حکومتیان گذاشته است. از جمله در

سرنگون باد حکومت چپاول و جنایت اسلامی

DOWN WITH THE ISLAMIC REGIME OF IRAN

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

پیمانکاران از محیط های کار و مستقیم شدن قراردادهای کاری شان است. یک موضوع اعتراض کارگران پیمانکاری نفت بالا بردن استاندارد خوابگاهها، غذاخوری ها و شرایط کار و زیستی آنان بود.*

(این گزارش به کانال جدید ارسال شده است)

روزهای گذشته، حسین زاده (عضو کمیسیون انرژی مجلس) گفت: ساماندهی سال ۹۷ نیروهای قراردادی مدت موقت نفت ناقص بوده است؛ کارکنان قراردادی بین قانون کار و قانون نفت گیر کرده اند! اما کارگران به هیچکدام از این وعده ها باور ندارند. خواست اصلی ما کارگران کوتاه شدن دست

از صفحه ۲

فروپاشی اقتصادی و...

اقتصادی بردارد. جمهوری اسلامی برای حفظ حاکمیتش از یک طرف تعرضات اقتصادی اش به جامعه را وسیع تر میکند و از طرف دیگر و در کنار تعرضات اقتصادی اش، ماشین سرکوب و جنایت خود را صیقل میدهد و علیه مردم به کار میگیرد. در برابر تعرضات حکومت امروز باید از جمله صریح تر و قاطع تر از هر وقت علیه اعدام این شکل آشکار قتل عمل دولتی ایستاد و بر لغو مجازات اعدام پافشاری کرد. همچنین باید بر آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی کوپید و آزادی های سیاسی پایه ای را با قدرت اعتراضات دو فاکتور بر حکومت تحمیل

آشکار بین این مردم و این حکومت در جریان است. مردم در اعتراضات هر روزه خود و به زبان روشن و صریحی دارند میگویند که این حکومت را نمیخواهند و باید گورش را گم کند و برود. دارند میگویند که این بساط دزدسالاری و اختلاس، این بساط تبعیض و نابرابری و این بساط سرکوب و کشتار را نمیخواهند و همه شواهد حاکی از در پیش بودن خیزشی به مراتب قدرتمند تر از آنچه در آبان و دیماه شاهدش بودیم، است. این را هم میدانیم که جمهوری اسلامی نه در توانش هست و نه میخواهد که قدمی در جهت بهبود اوضاع

انتظامی شان میکنند نه تنها کم نشده است، بلکه افزایش هم داشته اند و اینها همه اقلام کلانی از بودجه سالانه حکومت است. اما وقتی از حق معیشت کارگر و مردم سخن به میان می آید، از بودجه انقباضی و صندوق خالی حرف میزنند. روشن است که این گونه بهانه آوردن ها دیگر خریداری ندارد. مردم کوتاه نمی آیند و حق و حقوقشان را میخواهند. جوانانی که در همین مدت در محلات مختلف با شعار "غذا نیست، ترس نیست" پیکت اعتراضی بر پا کردند، پیامشان به حکومتیان همین بود. این اعتراضات را باید سراسری تکثیر کرد. جمهوری اسلامی باید گورش را گم کند و برود تا مردم از نظر رفاهی نیز نفسی بکشند.*

است مقررری آنها و حقوق پایه کارگران و حقوق بگیران جامعه نباید از این رقم کمتر باشد. باید درمان رایگان شود. باید تحصیل برای همه کودکان رایگان باشد و باید همه از حق داشتن مسکن مناسب برخوردار باشند و تسهیلات لازم آن فراهم شود. این ها حقوق پایه ای مردم است و باید با اعتراضات گسترده ما مردم به قوانین مصوب و تثبیت شده تبدیل گردند. بهانه می آورند که خزانه خالیست و اقتصاد در بحران است. اما پولهای کلانی که صرف مذهب و زندان و شکنجه و تروریسم منطقه ای و همه این بند و بساطشان میکنند سرجایش باقی مانده است. از بودجه های کلانی که صرف نیروهای سرکوب و از جمله گارد ویژه و نیروی

کرد. در برابر تعرضات اقتصادی هر روز سیستم چپاول حاکم نیز راه حل فوری این است که مردم با خواستههایشان، با اعتراضات و اعتصابات سراسری شان و متحد و سازمانیافته به میدان بیایند و در تمام عرصه ها حکومت را به عقب برانند و با خیزش قدرتمند خود بساط جهمی جمهوری اسلامی را جارو کنند. باید قاطعانه اعلام کرد که دولت در قبال معیشت و زندگی مردم مسئول است و به عنوان یک خواست فوری اعلام کنیم که همه کسانی که درآمدی ندارند یا کم درآمد هستند همین امروز باید تامین باشند و باید به آنها مقررری ماهانه پرداخت شود. اگر خط فقر به اعتراف خود نهادهای حکومتی ده میلیون

"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است." منصور حکمت



جنگ قره باغ: راه حل ...

استقلال نیز بر سر جای خود باقی خواهد ماند.

تجربه سه دهه اخیر نیز به روشنی این واقعیت را نشان میدهد. در سال ۱۹۹۱ مردم قره باغ در یک همه پرسی رای به استقلال دادند. مردم ترک زبان قره باغ فراندوم را تحریم کردند و دولت آذربایجان نیز آنرا برسمیت نشناخت و جنگ همچنان ادامه یافت. در سال ۲۰۰۶ نیز بار دیگر فراندومی در منطقه صورت گرفت و نزدیک به ۹۰ درصد مردم قره باغ به استقلال رای دادند. این همه پرسی و اعلام استقلال نیز با مخالفت دولت آذربایجان مواجه شد و نتوانست آتش جنگ و درگیری را خاموش کند.

خودمختاری نیز مساله راه حل نخواهد کرد. علاوه بر اینکه در عصر ما خودمختاری یا خودگردانی جوابگوی مساله ملی و تبعیض و ستم ملی و بطریق اولی نفرت پراکنی و نسل کشی قومی نیست، در مورد قره باغ این به معنی ادامه وضع موجود است. هم در دوران شوروی و هم پس از آن، در جمهوری آذربایجان قره باغ بعنوان منطقه خود مختار برسمیت شناخته میشود. اما در تمام این مدت کشمکش و خصومت ملی نه تنها حل نشده بلکه تشدید هم شده است.

از سوی دیگر وجود دولت ناسیونالیستی فاشیستی ارمنستان و آذربایجان و تعلق آنها به دو بلوکبندی رقیب، ترکیه- اسرائیل از یکسو و روسیه- جمهوری اسلامی از سوی دیگر، به مساله قره باغ ابعادی منطقه ای و حتی فرا منطقه ای می بخشد. هر نوع راه حل واقعی و پیشرونی باید این نیروها را که نقش تعیین

ارمنستان و بلوکبندهای منطقه ای جلوگیری کند.

در این سطح مشخص کلید حل مساله سیاست و قوانینی است که مناسبات بین مردم ترک زبان و ارمنی زبان در این منطقه را فارغ از هویتهای ملی و مذهبی و قومی آنها تعیین و اعلام و عملی کند. مناسبات و قوانینی که بر مبنای یک منشور و یا قانون اساسی همه مردم منطقه را به عنوان شهروندان متساوی الحقوق یک جامعه مدنی و فارغ از هویت سازیهای قومی و ملی و مذهبی برسمیت بشناسد و حقوق شان را تضمین کند. این تنها راه حلی است که میتواند چهارچوب ملی مذهبی - قومی مساله را در هم بشکند، و هر نوع تناسب و ترکیب قومی- ملی- مذهبی جمعیت قره باغ (فرمول هشتم درصد بیست درصد) و رابطه آن با دولتهای قومی آذربایجان و ارمنستان را کنار بزند. برای تحقق این امر ابتدا باید فراندومی در منطقه قره باغ صورت بگیرد اما نه حول

سؤال جدائی یا پیوستن و یا خودگردانی و خودمختاری و کلا سئوالاتی که تنظیم رابطه با دولتهای ارمنستان و آذربایجان را مد نظر دارد. بلکه حول سیاست و قوانینی که بعد از همه پرسی قرار است در منطقه قره باغ حاکم و جاری شود. در واقع آنچه در حل بحران قره باغ تعیین کننده است مضمون انسانی و ضد ناسیونالیستی ضد راسیستی سیاستها و مناسبات و قوانین است و نه شکل اداری رابطه منطقه قره باغ با حکومتهای آذربایجان و ارمنستان. این مضمون انسانی باید در شکل منشوری که حقوق مساوی شهروندی را برای همه ساکنین قره باغ تضمین میکند به همه پرسی گذاشته

شود. همه پرسی حول این

منشور میتواند تحت نظارت یک سازمان جهانی نظیر سازمان ملل انجام شود. (دخالت سازمان ملل برای آتش بس و قطع فوری جنگ جاری، و جلوگیری از دخالت و جنگ افروزی دولتهای آذربایجان و ارمنستان و همچنین بلوکبندیهای منطقه ای ضروری است). مسئولین و مقامات دولت محلی قره باغ، که آنها هم بوسیله مردم انتخاب میشوند، باید به اجرای منشور متعهد باشند. اینجا هم باید سازمان ملل بعنوان ناظر بر کار و اقدامات مقامات محلی و ضامن اجرای منشور تصویب شده در فراندوم بوسیله مسئولین و مقامات حضور داشته باشد. این نظارت میتواند از طریق ارگانی مرکب از نمایندگان سازمان ملل و دو دولت ارمنستان و آذربایجان، با رای مساوی این سه عضو در تصمیمگیریها، انجام بشود. این امر هم دولتهای ارمنستان و آذربایجان را در اداره منطقه ای که هر دو مدعی آن هستند به نحوی دخالت خواهد داد و هم از فعال مایشائی آنان و تحمیل سیاستهای شونیستی- فاشیستی شان ممانعت خواهد کرد.

این سناریو در واقع به نوعی دولت خودگردان در قره باغ شکل میدهد که از یکسو متعهد به حراست و تضمین حقوق مساوی برای همه شهروندان است و از سوی دیگر تابع هیچیک از دو دولت آذربایجان و ارمنستان نیست بلکه به ارگان ثالثی پاسخگو است.

تا کنون سناریوهائی مانند استقرار نیروهای حافظ صلح بین المللی بین منطقه قره باغ و آذربایجان و تخلیه مناطق اشغالی بوسیله دولت ارمنستان و نهایتا انجام فراندوم از طرف دیپلماتهای روسی و کشورهای غربی مطرح شده است. این طرحها

اساسا بخاطر مخالفت دولت ارمنستان با تخلیه نواحی اشغالی و مخالفت دولت آذربایجان با فراندوم تا کنون بجایی نرسیده است. اما شکستن چارچوب رابطه قره باغ با دولتهای ارمنستان و آذربایجان و تمرکز بر برسمیت شناسی منشوری که به یکسان و مستقل از ترکیب جمعیتی قره باغ حقوق مساوی همه اهالی را برسمیت بشناسد میتواند این بن بست را بشکند.

به این نکته هم باید توجه داشت که این یک طرح موقت و زودفراجم نیست. استقرار نیروهای سازمان ملل در منطقه، هم بمنظور ممانعت از شعله ور شدن مجدد جنگ و هم نظارت بر اجرای منشور حقوق مساوی مردم قره باغ، باید برای مدت زمان نسبتا طولانی ای ادامه داشته باشد. مدت زمانی که بتواند تاثیرات سی سال بحران و درگیری و جنگهای قومی و سیاستها و دخالتگریهای دولتهای آذربایجان و ارمنستان را خنثی و بر طرف کند و زمینه را برای حل نهائی مساله فراهم نماید.

همانطور که در ابتدا اشاره شد این سناریو راهی برای حل پایه ای مسله نیست. مساله مردم منطقه قره باغ، و همچنین مردم در آذربایجان و ارمنستان، نهایتا با سرنگون شدن دولتهای ناسیونال- فاشیستی این کشورها و دخالت مستقیم مردم در اداره امور خود حل خواهد شد. طرح فوق اولین گامها برای رسیدن به چنین هدفی است. نیرو و عامل اصلی تحقق این شرایط، همانند تحقق راه حل نهائی، نه دولتها و ارگاتهای منطقه ای و بین المللی، بلکه نیروهای چپ و ازدیخواه و توده مردم در قره باغ و در ارمنستان و آذربایجان هستند.*

از صفحه ۶

جنگ قره باغ، ناسیونال - فاشیسم ترک و ارمنی...

است و به این معنا خطر گسترش جنگ نیابتی به قره باغ را نباید دست کم گرفت.

جنگ قره باغ و جمهوری اسلامی!

جمهوری اسلامی این وسط سرگیجه گرفته است. با دو طرف دهنش حرف میزند. از یکطرف، نمایندگان ولی فقیه در استانهای آذربایجان در دفاع از "اهل بیت شیعه" بیانیه میدهند، از قره باغ با عنوان «پاره تن اسلام «یاد میکنند و ولایتی مشاور خامنه ای اشغال قره باغ را با اشغال فلسطین توسط اسرائیل مقایسه میکنند، و از طرف دیگر وزارت خارجه جمهوری اسلامی در باره راه حل دیپلماتیک و هم جهت با وزارت خارجه روسیه کلی گویی میکند! این تناقض گویی در راس جمهوری اسلامی چند دلیل دارد:

اگر چه خامنه ای و مشاورش بهتر از همه میدانند که وقتی خود اسلام سیاسی در سراسری است از «شیعیان آذربایجان «هم آبی برای این جنبش ارتجاعی گرم نمیشود، اما ظاهراً فرصتی پیش آمده است که به مثابه مدافع «اهل بیت شیعه «در کشور آذربایجان ظاهر «ضد صهیونیستی «شان را نگه دارند و به قول معروف دلی از عزا در بیاورند که مثلاً شیعیان جهان را نمایندگی میکنند. این وجه موضع حکومت از سر حفظ ظاهر ایدئولوژیک اسلامی است.

جمهوری اسلامی روی تحرک ناسیونالیستی قوم پرستانه به مثابه خدشه ای بر همبستگی مردم ایران علیه حکومت حساب میکند. وقتی فاشیسم ترک با شعار «کرد

ناسیونالیستی این طبقات در دو کشور یا راه حل برای تامین امنیت و آرامش مردم و تامین حقوق شهروندی برابر و تامین زندگی انسانی برای همه؟

اینجا در باره راه حلی صحبت میکنیم که راه را برای تامین امنیت و حقوق شهروندی برابر برای همه هموار کند و حق شهروندی را به قومیت و ملیت و مذهب گره نزند. با این تاکید نکات زیر در باره راه حل مساله اهمیت دارند:

راه حل نهایی زمانی امکانپذیر خواهد شد که طبقات حاکم و احزاب ناسیونال - فاشیست حاکم در آذربایجان و ارمنستان به زیر کشیده شوند و به جایشان جنبشها و نیروهای اداره سیاسی جامعه را بدست بگیرند که مردم را به ترک و ارمنی تقسیم نمیکند و تامین حقوق شهروندی برابر برای همه را رکن اصلی اداره جامعه تلقی میکنند. شکل دادن به جنبشهای اعتراضی در هر دو کشور که تامین حقوق شهروندی برابر برای همه است هم میتواند به درجاتی بر تحرک نظامی ناسیونال - فاشیستی دو طرف افسار بزنند و هم راه کنار زدن احزاب فاشیست حاکم در دو کشور را هموار کند که گام مهمی برای رسیدن به راه حل نهایی است. چنین جنبشی در فلسطین و اسرائیل و علیه نژاد پرستی دولت اسرائیل از یکطرف و جنبش اسلامی در طرف مقابل سابقه دارد. مانیفست جوانان غزه فقط یک جلوه از چنین جنبشی است.

تا آنجا که به راه حل نهایی مربوط میشود، باید تاکید کرد که همه مناقشات و جنگها و درگیریهای قومی و ملی و مذهبی در منطقه با حضور فعال دول ارتجاعی منطقه و حامیان جهانیانشان شکل گرفته و تداوم پیدا کرده است

و به این اعتبار دخالت دول ارتجاعی منطقه در مناقشه قره باغ - دولتهایی که در ایجاد باتلاق خونین سوریه و عراق نقش داشته اند - یک مانع مهم برای رسیدن به راه حل نهایی و ادامه دار است.

اما مساله این است که دو دولت سرچایشان هستند و بلوک بندیهای منطقه ای هم تعیین تکلیف نشده است. در چنین شرایطی چه باید کرد؟ آیا مردم قره باغ ممکن است با راه حلهای شناخته شده ای مثل رفراوند در باره استقلال یا پیوستن به یکی از دو دولت متخاصم از وضعیت دهشتناک کنونی رها شوند؟

رفراوند قبلاً انجام شده است اما مساله سر جایش است و جنگ و کشتار و آوارگی سرچایش است. واقعیت این است که ناسیونال - فاشیستهای هر دو طرف در منطقه بارها به جنایات فجیعی دست زده اند و باکمال تاسف همین جنایتکاران به درجاتی به قهرمانان یکی از طرفین تبدیل شده اند. در شرایط حاضر هر رفراوندی - با توجه به اکثریت ارمنی در منطقه - نتیجه اش به دست گرفتن اداره منطقه توسط ناسیونال - فاشیستهای ارمنی خواهد بود. این راه حل مساله نیست. خود مساله است.

همچنین تسلط هر کدام از دولتهای متخاصم بر سرنوشت سیاسی منطقه - به هر شکل و با هر وسیله ای از جمله رفراوند - ادامه وضع موجود و ادامه ستم و تبعیض علیه بخشی از مردم و حتی امکان تکرار پاکسازیهای قومی است. این این هم راه نیست بلکه خود مساله است.

با توجه به نکات بالا، اقدامات زیر برای رسیدن به یک راه حل عملی لازم و مهم هستند اگر چه هیچکدام از این اقدامات هم سراسرست و بدون مانع و به راحتی قابل

حصول نیستند:

بی قید و شرط آتش بس برقرار شود و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل بر آن نظارت کنند؛ اشغال بخشهایی از کشور آذربایجان توسط ارمنستان پایان یابد؛

دخالت روسیه و ترکیه و جمهوری اسلامی و هر دولت ارتجاعی دیگر و حامیان جهانیانشان در منطقه قره باغ قطع شود؛

به این ترتیب شرایط برای مراجعه به آراء عمومی و رفراوند فراهم میشود. رفراوند در باره چه چیزی؟ خودمختاری؟ استقلال؟ تعیین نوع اداره منطقه؟ همانطور که حمید تقوایی در گفتگوهای اخیرش با تلویزیون کانال جدید تاکید کرده است چنین رفراوندی باید در باره منشور حقوق شهروندی برای همه برگزار شود. منشوری که با صراحت و روشنی تمام حقوق شهروندی همه ساکنین منطقه را اعلام و تامین کند.

وقتی چنین منشوری مورد تایید اکثریت جمعیت منطقه قرار گیرد آنگاه تازه شرایط برای شکل دادن به یک نهاد اداری و سیاسی فراهم میشود که وظیفه اصلی و مهمش پیاده کردن مفاد چنین منشوری خواهد بود.

و بالاخره دخالت فعال نهادهایی از سازمان ملل برای نظارت و کنترل بر اجرای مفاد منشور توسط هر نهاد منتخب مردم یک وجه مهم تحقق این اهداف است.

اینها خطوط اصلی یک راه حل عملی در شرایط حاضر است. راه حل نهایی منوط به تغییرات بنیادی تری در سیستم سیاسی هر دو کشور متخاصم، مناقشات و تقابلهای دول ارتجاعی در منطقه است که در فرصتی دیگر باید به جوانب مختلف آن پرداخت.*



اعدام قتل عمد دولتی است

۱۰ اکتبر برابر با ۱۸ مهر، روز جهانی علیه اعدام است. مجازات اعدام، جنایتی شنیع، غیر انسانی و بی رحمانه است که در هیچ کجای دنیا نظیر جمهوری اسلامی، چنین گسترده و وحشیانه علیه مردم به کار گرفته نمیشود.

در ۱۰ اکتبر علیه مجازات اعدام در ایران و همه جای دنیا دست به اعتراض بزنیم و خواهان لغو فوری احکام اعدام در ایران و آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی شویم!

زنده باد مبارزه جهانی برای لغو مجازات اعدام نابود باد جمهوری اسلامی!

شاهرخ ۰۱۷۶۴۲۹۰۱۸۱۸

نقدی

آلمان، کاسل: شنبه ۱۰

فراخوان دهنده: کمیته بین المللی علیه اعدام

اکتبر جمع از ساعت ۱۵

در محل Opernplatz

تلفن تماس:

هلند، آمستردام: شنبه

۰۱۷۰۴۶۱۳۳۶۳

۱۰ اکتبر ساعت ۱۴ تا ۱۶

۰۱۵۲۰۸۵۰۵۳۳۲

تجمع و آکسیون در محل

فراخوان دهنده: کمیته

Museumplein, Amsterdam

بین المللی علیه اعدام

am

تلفن

آلمان، رستوک: شنبه

تماس: ۰۰۳۱۰۶۸۲۱۹۸۳۴۷

۱۰ اکتبر جمع از ساعت ۱۴

برگزار کنندگان: شورای

تا ۱۶

برگزاری آکسیون های

در محل Kr peliner

مشترک در هلند و کمیته

Tor in Rostoc

مبارزه برای آزادی زندانیان

تلفن تماس:

سیاسی

۰۱۷۶۷۱۲۳۱۹۱۰

کانادا، تورنتو: شنبه ۱۰

آلمان، ارفورت: شنبه

اکتبر از ساعت ۱۵

۱۰ اکتبر جمع در محل

در محل پلازای ایرانیان

«ویلی برانت پلاتز» (از ساعت

فراخوان دهنده: کمیته

تا ۱۷

بین المللی علیه اعدام

۱۹ تا ۱۷

Willy-Brandt-Platz

تلفن تماس:

تلفن تماس:

۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹

عبدالله اسدی

فراخوان دهنده: کمیته

بین المللی علیه اعدام

سوئد: استکهلم: شنبه

۱۰ اکتبر از ساعت ۱۴

در محل Sergelstorg

تلفن تماس:

۰۷۳۹۶۳۴۲۵۱

هرمزرها

فراخوان دهنده: کمیته

بین المللی علیه اعدام

آلمان، کلن: شنبه ۱۰

اکتبر جمع از ساعت ۱۷ تا ۱۹

در مقابل در اصلی ایستگاه

قطار کلن

تلفن تماس:

۰۱۷۶۶۱۰۲۸۷۷۴

فراخوان دهنده: کمیته

بین المللی علیه اعدام

آلمان، فرانکفورت: شنبه

۱۰ اکتبر از ساعت ۱۶

در مرکز شهر

Zeil, Myzeil

آکسیونهای شنبه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام در این تجمعات شرکت کنید

نشاسند و آنرا بایکوت سیاسی کنند. بخواهید که با جمهوری اسلامی همان کاری را نکنند که با حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی کردند.

لیست برنامه های اعلام شده:

نروژ، اسلو: پنجشنبه ۸ اکتبر از ساعت ۱۵ تا ۱۷
تجمع و میز اطلاع رسانی مقابل پارلمان
تلفن تماس: ۰۹۸۶۹۴۰۰۱
صابر رحیمی
فراخوان دهنده: کمیته بین المللی علیه اعدام

سوئد، یوتبوری: شنبه ۱۰ اکتبر از ساعت ۱۴

تجمع: Drottningatan
روبروی ایستگاه مرکزی قطار

جمهوری اسلامی قاتل مردم است و نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته شود. مجازات اعدام و کلیه احکام اعدام باید لغو شود. کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

شنبه ۱۰ اکتبر به مناسبت روز جهانی علیه اعدام در خارج کشور فراخوانهایی برای تجمعات و آکسیونها اعلام شده است. در هر شهری که هستید در تجمعاتی که علیه اعدام برپا میشود شرکت کنید و یا خود مبتکر برپایی تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی شوید. از دولت ها و احزاب حاکم در کشوری که زندگی میکنید که این حکومت را به رسمیت

جمهوری اسلامی
نماننده مردم ایران نیست قتل آنها است.
نابود باد جمهوری اسلامی!

اعدام نه!

STOP

EXECUTION IN IRAN NOW!

اعدام نکنید یک مطالبه نیست، فرمانی است
از طرف مردم به جنایت کران حاکم
اعدام قتل عمد دولتی است!

شنبه

شماره تماس: 017661028774

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

ساعت ۱۷:۰۰ تا ۱۹:۰۰

مقابل درب اصلی ایستگاه قطار کلن



پلاکاردهایی با مضامین اعتراضی در دست داشتند. از جمله در این پلاکاردها نوشته شده بود: ۵ اکتبر روز جهانی معلم بر معلمان و بازنشستگان مبارک باد!، جای معلم و بازنشسته زندان نیست!، ما به افزایش حقوق‌ها بدون در نظر گرفتن تورم و خط فقر ۱۰ میلیون تومانی اعتراض داریم، درمان رایگان، کودکان کار حق تحصیل دارند!، تهیهی امکانات آموزشی از گوشی و تبلت و... برای دانش‌آموزان و معلمان ...

روز جهانی معلم و بیانیه های معلمان، حمایت ۸۰ سندیکای جهانی از زندانیان سیاسی و دو خبر دیگر

۱۳ - مهر روز جهانی معلم است و به این مناسبت تشکلهای مختلف معلمان با بیانیه هایشان و با اعلام خواستههایشان به استقبال این روز رفتند. دو خواست محوری این بیانیه ها تحصیل رایگان برای همه کودکان و آزادی معلمان زندانی است. از جمله شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه ای به مناسبت روز جهانی معلم بر آزادی معلمان زندانی تاکید کرد. در همین رابطه انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه بیانیه ای داده اند و در آن بر خواستههایی چون استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در آموزش، جلوگیری از پولی کردن مدارس و ایجاد شرایط برابر برای دانش آموزان، برداشتن تبعیض جنسیتی در آموزش، پرداخت حقوق و دستمزد درخور و شایسته به فرهنگیان، ایجاد زیر ساخت هایی برای آموزش الکترونیکی، ایجاد مراکز ورزشی و تفریحی برای دانش

تلخیصی از اطلاعیه های حزب هفت تپه: تجمع اعتراضی کارگران کوره های بخار

راندگان شرکت نفت گچساران و شهرداری خرمشهر و برگزاری روز جهانی معلم

روز سه شنبه ۱۵ مهر راندگان شهری در ماهشهر دست از کار کشیده و با بستن خیابان در مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند.

با شروع دور جدید فراخوان کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن به اعتراضی سراسری، روز دوشنبه ۱۴ مهر شماری از کارگران خطوط ابنیه فنی در نواحی ریلی آذربایجان، سرخس، ورامین، لرستان و زاگرس در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند.

روز دوشنبه ۱۴ مهر راندگان خودروهای استیجاری شرکت نفت و گاز گچساران برای چهاردهمین روز در اعتراض به پایین بودن دستمزد و کسر مزایای شغلی به اعتصاب ادامه دادند و با پارک کردن خودروهایشان تجمع کردند.

روز ۱۴ مهر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و ۶ ماه بیمه دست از کار کشیدند و برای چندمین بار مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

روز چهارده مهر به مناسبت روز جهانی معلم مراسمی از طرف اتحاد بازنشستگان در یکی از پارکهای تهران برگزار شد. این برنامه از ساعت ده و نیم صبح شروع و شرکت کنندگان

روز ۱۷ مهر ماه کارگران قسمت کوره های بخار در نیشکر هفت تپه در اعتراض به اعلام عدم نیاز به ادامه کار همکارشان امید آزادی در آن بخش، دست به تجمع و اعتراض زدند. مقامات شرکت به شکل های مختلف برای عقب زدن اعتراضات کارگران و تعرض به آنان تلاش و توطئه گری میکنند و از آنجا که جرات اخراج مستقیم کارگران را ندارند، برخی از آنان را تحت عنوان "عدم نیاز" کنار میگذارند. اما کارگران ایستاده اند و اجازه نمیدهند. در عین حال کارگران نیشکر هفت تپه خواستار بازگشت به کار باقی کارگران اخراجی در شرکت و نیز بازگشت به کار اسماعیل بخشی و سه کارگر دیگر که در جریان اعتراضات سال ۹۷ دستگیر و بعد زیر فشار اعتراضات آزاد شده و پرونده هایشان بسته شده است، هستند. بدین گونه کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالبات خود بوده و پرداخت فوری طلبهایشان و تمدید دفتر چه های بیمه مطالبات فوری آنهاست. یک موفقیت بزرگ کارگران اعلام خلع ید از اسد بیگی است. در این رابطه کارگران خواستار روشن شدن تکلیف مالکیت این شرکت هستند و حرف آنها اینست که یک نفر از سوی دولت به این شرکت گسیل شود و این مجتمع کارگری با مشورت و نظارت خود کارگران اداره شود. از اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه فعالانه حمایت کنید.

اعتراضات راندگان شهری ماهشهر، کارگران راه آهن،

زاده، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی و نسرين ستوده و کلیه زندانیان سیاسی و حفاظت از تمامی زندانیان در برابر کرونا و ارائه خدمات درمانی به آنها تاکید شده است.

روز سه شنبه ۱۲ مهر، جمعی از کارگران شرکتی مخابرات در اعتراض به سطح نازل حقوق مقابل وزارت ارتباطات تجمع کردند. بنا بر خبر این کارگران علیرغم داشتن تخصص هنوز به اندازه حداقل دستمزد تعیین شده شورای عالی کار مزد میگیرند و این مبلغ چند برابر زیر خط فقر است. کارگران شعار میدادند: "مخابرات حیا کن حق ما را ادا کن".

روز سه شنبه ۱۲ مهر کارگران فضای سبز اخراجی شهرداری منطقه ۲ اهواز در ادامه اعتراضاتشان به خاطر اخراج از کار وعدم پرداخت مطالباتشان مقابل ساختمان شهرداری مرکزی این شهر تجمع کردند. پیش از این نیز این کارگران در روز چهارشنبه هفته گذشته مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع داشتند. به گفته کارگران پروژه «کمربند سبز» از سالها پیش با هدف بیابانزدایی و مقابله با ریزگردها در شهر اهواز ایجاد شده است. حدود ۴۰ نفر از این کارگران در این پروژه تحت مسئولیت پیمانکار ادامه در صفحه ۱۴

آموزان تاکید کردند. همچنین انجمن صنفی معلمان کردستان، سقز و زیویه با تبریک روز جهانی معلم بر آزادی معلمان زندانی، پرهیز از پرونده سازی علیه فعالین صنفی و مختومه نمودن پرونده سازی ها، ربودن چهره امنیتی از فضای آموزشی، آموزش با کیفیت و رایگان، و به رسمیت شناختن تشکیلاتی مستقل تاکید کردند.

روز دوم اکتبر (۱۱ مهر) ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در سراسر دنیا طی بیانیه ای خواستار آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی در ایران شده اند. در این بیانیه به وضعیت جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران بخاطر دفاع از حقوق کارگران، و وضعیت بشدت وخیم وخیم زندانیان سیاسی دیگری نظیر اسماعیل عبدی و محمد حبیبی، دو معلم زندانی سیاسی و نسرين ستوده وکیل دادگستری در زندان اشاره شده است. در این نامه همچنین به دستگیری های اخیر از جمله بازداشت سه عضو کانون نویسندگان ایران به نام های بکتاش آبتین، رضا خندان و کیوان باژن (با محکومیت های ۳ تا ۶ سال) در چهارم مهرماه اشاره شده است. نکته دیگر مورد تاکید این نامه وضعیت زندانها و شیوع بیماری کرونا است. و در آخر بر آزادی جعفر عظیم

از صفحه ۱۳

تلخیصی از اطلاعیه های حزب...

در کل جامعه را به نمایش میگذارد.

اعتراض جمعی زندانیان سیاسی در زندان بزرگ تهران

خشونت سازمان یافته به زندانیان سیاسی در زندان فشافویه محکوم است و باید فوراً خاتمه یابد

روز پنجشنبه ۱۰ مهرماه مأموران گارد ویژه زندان فشافویه «زندان بزرگ تهران» با یورش ناگهانی به داخل تیپ ۵ این زندان که محل حبس زندانیان سیاسی شناخته شده‌ای از جمله محمد حبیبی معلم زندانی، شاپور احسانی‌راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران و دستگیر شدگان خیزش آبانماه ۹۸ است، ۹۰ نفر از زندانیان سیاسی با توسل به زور بدون اینکه فرصتی برای جمع‌آوری وسایل خود داشته باشند به سالی در تیپ ۲ زندان منتقل شدند. مسئولین زندان علت این امر را اجرای قانون تفکیک جرائم و جداسازی زندانیان سیاسی از زندانیان جرائم عمومی اعلام کرده‌اند. بدیهی است که این یورش و رفتار وحشیانه و غارت اموال و امکانات زیستی زندانیان هیچ ربطی به اجرای این اصل ندارد.

زندان فشافویه به لحاظ تراکم زندانیان و نبود امکانات بهداشتی و رفتار وحشیانه مأموران زندان از بدنام‌ترین زندانهای کشور است. با شیوع و گسترش ویروس کرونا در زندانها، انتقال ۹۰ زندانی سیاسی به مکانی بسیار نامناسب‌تر که تنها شامل سه اتاق کوچک و بشدت غیربهداشتی و کثیف و

مشغول به کار بودند. از ابتدای تیر ماه ۲۲ نفر آنها با سوابق کاری حدود هشت سال اخراج شده و دو ماه نیز دستمزد طلب دارند. کارگران اخراجی خواستار بازگشت به کار و پرداخت فوری طلبهایشان هستند.

کرونا در مراکز نفتی

بنا بر خبر دریافتی سازمان منطقه ویژه اقتصادی و انرژی پارس با صدور بخشنامه‌ای دورکاری، کاهش ساعت کاری، شیفت بندی برای کارکنان شاغل در شرکت‌های نفت، گاز، پتروشیمی و بخش خصوصی را الزامی و مجاز اعلام کرده است. این بخشنامه پس از آن منتشر میشود که اخباری از تلفات فاجعه آمیز کارگران نفت به دلیل بیماری کرونا منتشر شده است. در تیرماه نماینده مجلس اسلامی آمار مرگ و میر کارگران در عسلویه را به عنوان یکی از مراکز اصلی پروژه های نفت و گاز تکان دهنده توصیف کرده و با گفتن اینکه درصد نگرفته است اما آمار خوبی ندارند و از اینکه نه تنها کارگران بلکه مردم محلی نیز به شدت آلوده به این ویروس هستند خبر داده بود. در ششم مهر ماه نیز "حجت‌الله سمیع"، مدیرعامل سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت ایران از اینکه ۴۰۰ نفر از کارگران نفت به دلیل ابتلاء به کرونا جانباخته و چهار هزار و صد نفر از این کارگران به این بیماری خطرناک مبتلا شده اند، خبر داده بود.

این گزارشات تکاندهنده گوشه ای از ابعاد وسیع فاجعه انسانی بیماری کرونا نه تنها در مراکز وابسته به نفت بلکه

فاقد ابتدایی‌ترین امکانات زیستی است معنایی جز انتقام‌گیری و ایجاد محدودیت بیشتر و به خطر جدی انداختن جان زندانیان سیاسی ندارد.

در واکنش به این خشونت سازمان یافته، این زندانیان در اقدامی جمعی و اعتراضی از دریافت غذای زندان خودداری کردند.

تکرار اعمال جنایتکارانه مسئولین و مأموران زندان فشافویه کاملاً آگاهانه و سازمان یافته است. کشته شدن زندانی سیاسی علیرضا شیرمحمدعلی جوان ۲۱ ساله در همین زندان، یکی از دهها جنایت سازمان یافته در این زندان است. فشار بر زندانیان سیاسی و طاقت‌فرساتر کردن وضعیت زندانیان سیاسی در فشافویه ادامه همین سیاست ضدبشری علیه فعالین کارگری، معلمان زندانی و معترضین آبانماه است که همچنان با شجاعت و جسارت تحسین برانگیز بر اعتراضات خود پافشاری می‌کنند.

دو روز پیش از این یورش سازمان یافته، محمد حبیبی و شاپور احسانی راد به همراه بیش از ۷۰ نفر از زندانیان سیاسی با ارسال پیامی همبستگی و تسلیم خود را به مناسبت درگذشت ناصر مرادی، پدر امیرحسین مرادی از معترضین دستگیر شده آبان‌ماه را که زیر خطر اعدام است، تسلیم گفته و با او اعلام همبستگی کردند. ناصر مرادی به دلیل فشارهای مداوم و ایجاد شرایط جهنمی دستگاه‌های امنیتی به خانواده و تهدید اعدام فرزندش، دست به خودکشی زد.

حمله سازمان یافته به بند زندانیان سیاسی در زندان فشافویه چیزی بجز استیصال و درماندگی حکومت اسلامی در مقابل موج همبستگی و

مقاومت و ایستادگی شجاعانه زندانیان سیاسی نیست. نه تنها دستگیری و زندان‌های دراز مدت از عزم آنان نکاسته است، بلکه شاهد همبستگی عمیق‌تری بین جامعه و زندانیان سیاسی هستیم. اکنون جهان صدای اعتراض مداوم و به حق زندانیان سیاسی و خانواده‌های نگران آنان علیه حکومت اسلامی را شنیده است. بایکوت بین‌المللی جمهوری اسلامی در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی و هنری و ورزشی پاسخ فوری و لازم و درخوری است که باید بصورت عاجل عملی و هرچه وسیعتر ادامه یابد.

حزب کمونیست کارگری ایران، رفتار وحشیانه مسئولین و مأموران گارد ویژه زندان بزرگ تهران را شدیداً محکوم می‌کند و خواهان دخالت فوری مجامع



بین‌المللی بویژه سازمان عفو بین‌الملل و دفتر حقوق بشر سازمان ملل برای رسیدگی اضطراری به این موضوع است.

فشارهای سیستماتیک به زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان باید فوراً خاتمه یابد و کلیه زندانیان سیاسی بدون درنگ و بی قید و شرط باید از زندان آزاد شوند. حزب اعلام میکند جمهوری اسلامی بخاطر جنایاتش از جمله در قبال زندانیان سیاسی باید در جهان منزوی شود.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری

پیش بسوی
ایجاد شوراهای

حزب کمونیست
کارگری ایران

۱۵ مهر ۱۳۹۹

۱۶ اکتبر ۲۰۲۰

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

